

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله و الصلاة و السلام على رسول الله و على آله آل الله و لعنة الله على اعدائهم اعداء الله الى يوم لقاء الله
اللهم كن لوليک الحجة بن الحسن صلواتک علیه و على آبائه فی هذه الساعة و فی کل ساعة ولیا و حافظا و قائدا و ناصرا و
دلیلا و عینا حتی تسکنه طوعا و تمتعه فیها طویلا.

• موضوع: سلوک صالحان در نهج البلاغه

خدای بزرگ را شاکرم که دریکی از عزیزترین و استثنایی ترین ساعات سال د رخانه خدا د ر محضر شما عزیزان باشم .

دو شب قبل از نهج البلاغه از امام علی برایتان مطالبی بیان کردم

گفته شد که هر انسانی چهار سلوک دارد

یکی که بیان شد و سه سلوک دیگر را بیان نکردم

• اول؛ سلوک انسان با خداست

و مطرح شد که بهترین سلوک و روش در نماز است د ردرجه بندی گفته می شود که هر مقدار نماز درجات کمال بیشتری داشته باشد، برای ارتباط انسان با خداست.

من به آیه 18 از سوره حج اشاره کردم که همه هستی نماز دارد و همه هستی نماز می خواند و سجده دارد فقط خدا یک استثنا می زند و آن انسان ها هستند که می گوید و کثیر من الناس . وقتی از سجده کوه و جنبندگان و درختان صحبت می کند، می گوید همه این ها اهل سجده هستند. ممکن است برای یک جوان سوال باشد که آیا واقعا جنبندگان و هستی نماز دارد و سجده دارد؟ چرا ما نماز و سجده این ها را درک نمی کنیم؟ سوال این است که مگر عقل بشر همه چیز را درک می کند؟

مگر ما ها همه چیز را می فهمیم؟ الان شما این جا نشسته اید و می گوئیم عقل این را می گوید. عقل چیست؟ کجاست؟ اگر بگوئید عقل را نقاشی کنید چه کار می کنید؟ ما چیزی را به نام عقل پذیرفتیم و آثاری از آن را می بینیم نه خود عقل را و بالاتر از آن روح. سوال این است که ما روح داریم یا نداریم؟ و فرق ما با مرده در چیست؟

انسان زنده روحش از او فاصله نگرفته است. اما انسان مرده روح از او فاصله گرفته است.

آیا روح در مغز است شما اگر مغز را بشکافید یا قلب را بشکافید، روح را در آن می یابید؟

بدن روح نداشته باشد مدیر ندارد بدن دو ساعت بدون روح مثل چوب می شود بحث این است که اگر بشر نتوانست چیزی را درک کند نباید انکار کند.

• حق الله و حق الناس

من قبلا در خصوص نماز گفتم، نماز ناموس خداست اما امشب می خواهم عنوان کنم نماز حق خداست.

یک تصویری برای ما پیدا شده که گاهی وقتها مهم حق الناس است اگر انسان بتواند از پس حق الناس برآید نجات پیدا می کند و خدا نکند انسان حق الناس برگردنش باشد این تصور هم درست است هم بسیار غلط است .

به هر حال معنای حق الناس این نیست که حق الناس ساده است.

این هم که گفته می شود حق الناس بالاتر است غلط است برخی از حق الله از حق الناس بالاتر است مثل نماز. اگر حق الناس برگردن انسان باشد انسان می ترسد روز قیامت اما امید به بخشش خداوند در ارتباط با او بیشتر است.

این که اگر انسانی حق الله برگردنش باشد امید به بخشش بیشتر باشد این هم درست است اما به این معنی نیست که ما نسبت به حق الله بی اعتنا باشیم.

برخی به این شکل است که اگر از حق الناس برگردنشان حقی باشد ناراحتند اما نسبت به نماز بی تفاوتند و این اشتباه است. من و شما با معیار نماز امتحان می شویم. ما باید حواسمان هم به حق الله و هم حق الناس باشد. چقدر خوب است تا موذن صدای اذان او بلند می شود اول وقت به نماز بایستیم.

نماز گزار مهمانی است که میزبان او خداست.

- دوم؛ سلوک انسان با خود؛(دو شب قدر داریم؛ شب قدری از خدا به سوی انسان و شب قدری از انسان به سوی خدا)

امشب شب قدر است امشب شبی است که باید تصمیم بگیریم ما دو شب قدر داریم یک شب قدر از خداست برای ما که یا شب نوزدهم یا شب بیست و سوم یا شب بیست و یکم است و برخی ها می گویند کل سال می تواند شب قدر باشد کسی مثل شهید اول، تمام طول سال را احیا را نگهداشتند که اگر هر شبی شب قدر است آن را احیا گرفته باشند اما شب قدری است که از انسان به سوی خداست شبی منا الی الله شبی قدر از انسان به سوی خدا؛ برخی انسانها هر شب آنها شب قدر است قضا و قدر قضا یعنی قضاوت و قدر یعنی اندازه گیری. لیلۃ القدری من و شما داریم که من و شما باید محاسبه کنیم کسانی ممکن است تمام ایام سال آنها مصداق شب قدر باشد و کسانی هم باشند که هیچ شب قدری نداشته باشند.

در حالات شیخ جعفر کاشف الغطا مینویسند: (ایکاش این صدا به مسئولین هم برسد؛ هر چند با واسطه) ایشان که نیمه شب برای نماز شب بر می خاست؛ خطاب به خودش می گفت: حضرت آیت الله العظمی شیخ جعفر کاشف الغطاء تو یک روزی بچه بودی و به تو جعیر می گفتند، جعیر یعنی جعفری فارسی عربی؛ یک مقدار بزرگ شدی به تو گفتند جعفر طلبه شدی و عباپی هم روی دوش خود انداختی و ضرب ضریا هم خواندی به تو شیخ جعفر گفتند و آمدی بالا حجت الاسلام و حجت الاسلام و المسلمین و بعد هم آیت الله بعد هم آیت الله العظمی به خودش گفت: فراموش نکن که تو هم همان جعیر سابقی. سوال این است که این آدم ، متکبر می شود؟ آیا این آدم ، گفتارش و رفتارش با مردم عوض می شود؟ نباید دنبال این گشت که کدام شب، شب قدر است؛ هر شبی که شب محاسبه باشد آن شب ، شب قدر من و شماست. شب قدر من و شما دست من و شماست ؛ ما خودمان با دست خودمان سرنوشت خودمان را رقم می زنیم. البته باذن الله. باید انسان در سلوکش با خودش، مراقب باشد؛ انسان باید اهل مراقبه در روز و محاسبه در شب و اهل تفکر باشد. اگر انسان اهل این سه عنصر باشد، انسان عوض می شود و این وجود ظاهری می شود روح؛ کسانی که شب قدرشان هر شب است.

- نامه ای عجیب

نام سید محمد میلانی را شنیدید؟ از مراجع مشهد بود من خودم نماز ایشان را رفته بودم؛ بنده بیست و یک سال قبل مکه بودم. یک زائری بود از علمای شیراز مرحوم آقای زیرجد که داماد آقای دستغیب بود. من روحانی کاروان بودم و ایشان زائر بود برای من قصه ای را تعریف کرد و بنده می خواهم اثر سلوک صالحان را با خود بیان کنم و این که انسان چه کار باید بکند؟

ایشان می گفت سال 42 من قم شاگرد مرحوم امام خمینی بودم و می خواستم مشهد بروم و خدمت مرحوم امام بودم و به ایشان عرض کردم من دارم می روم مشهد اگر شما کاری دارید و برنامه ای دارید بگویید ایشان می گوید مرحوم امام نامه ای به من داد و گفت این نامه را بده به آقاسید محمد میلانی در مشهد. ایشان می گوید نامه را گرفتم و وقتی می خواستم به مشهد بیایم شش نفر از طلبه ها همراه من شدند. و ایشان می گوید چهارصد تومنی از پدرم گرفتم و تا به مشهد برسم نود تومان آن خرج شد، سیصد و ده تومان ماند و ما رفتیم حرم امام رضا زیارت و دزد جیب ما را زد و در این شهر دست ما خالی شد؛ آقای زبرجد می گفت دیدم نامه را به سوی آقای میلانی بردم و در زدم و خدمتکار آمد، و گفتم بگویید یک نفر از قم آمده و نامه آقای خمینی را آورده و دیدم ایشان بدون عبا و سریع با یک عمامه داخل خانه آمد و گفت که منتظر شما بودم

و ادامه داد که وقتی آقای میلانی نامه را خواند خیلی احترام کرد؛ و در آخر هم مهر نامه را بوسید. و گذاشت کنار و گفت آقای زبرجد شما سیصد و ده تومان پیش ما دارید و من می خواهم به شما چهارصد تومان بدهم آقا امام رضا فرمودند سیصد و ده تومان به شما بدهم و من می خواهم چهارصد به شما بدهم.

آقایان چه خبر است؟ که به این آقا گفته بود که اینها به این مبلغ نیاز دارند؟!

البته از این نکات آقای میلانی زیاد دارد. و من چقدر خوشحال شدم که برخی نهادها بزرگداشت ایشان را اعلام کردند این ثمره سلوک صالح با خود است ما چقدر حواسمان هست ما فشار خون و قند را کنترل می کنیم و ... انسان باید همه اینها را کنترل کند سوال این است که آیا اخلاقمان را تست می کنیم؟ بحث این است که شب قدر ما به طرف خدا چه می شود؟ مایی که سالی یک بار یا دو بار انواع آزمایش قند و خون و فشار می دهیم و جسممان را کنترل می کنیم؛ چه اشکال دارد که سالی یک بار هم آزمایش روح بدهیم.

روح هم آلوده می شود و روح هم نیاز به تصفیه دارد و همه هم دست خودمان است و نیاز نیست که مواد آن از خارج بیاید.

• سوم: سلوک انسان با خلق خدا

روایتی را بخوانم؛ از امام علی علیه السلام

وَاللَّهِ لَأَنَّ أَبَيْتَ عَلَى حَسَكِ السَّعْدَانِ مُسْهَدًا أَوْ أَجَرَ فِي الْأَعْلَالِ مُضَقَّدًا، أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ أَلْقَى اللَّهَ وَرَسُولَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ظَالِمًا لِبَعْضِ الْعِبَادِ وَغَاصِبًا لِسَيِّئٍ مِنَ الْحُطَامِ؛ وَكَيْفَ أَظْلِمُ أَحَدًا لِنَفْسٍ يُسْرِعُ إِلَى الْبَلَى قُفُولُهَا وَ يَطُولُ فِي التَّرَى حُلُولُهَا؟

به خدا سوگند، اگر شب را تا بامداد بر بستری از خار سخت بیدار بمانم یا بسته به زنجیرم بر روی زمین بکشانند، مرا دوست داشتنی تر از آن است که در روز شمار به دیدار خدا و پیامبرش روم، در حالی که، به یکی از بندگانم ستمی کرده یا پیشیزی از مال مردم را به غصب گرفته باشم. چگونه بر کسی ستم روا دارم به خاطر نفسی که پیوسته روی در فنا دارد و سالها و سالها زیر خاک آرمیدن خواهد؟

این است منزلت حق الناس در نظر امام یک کسی است یکی از استانهایش ایران یا عربستان است یا مصر است و او از ارتباط خود با خلق این گونه پرده برداری می کند.

سلوک انسان با دیگران؛ مطلب بسیار حساس است چطور ما راحت از این قضیه می گذریم؟

امام علی حتی نه تنها حق الناس را بسیار مراقب است که حتی راجع به حق حیوان هم می گوید به خدا قسم؛ اگر اقالیم سبعة را به من بدهند و بگویند پوست جو(پی) را از دهان مورچه ای بگیر، نمیگیرم.

بحث این است که به جای این که ما شیعه امیرالمومنین باشیم و علی دوست باشیم علی فروش هستیم. مرحوم کلینی در کافی نقل می کند که شب در خانه ابوذر را می زنند، سربازان خلیفه آمدند با چهار کیسه پر اشرافی که آن را به ابوذر بدهند تا ابوذر بیعت کند با خلیفه اول؛ ابوذر گفت دو جسارت کردی؛ که شما می خواهید من علی را به شما بفروشم. یعنی شما ابوذر را علی فروش حساب کردید؟

دوم علی ابیطالب آیا به چهار کیسه اشرافی می ارزد من یک تار موی علی را به عالمی نمیدهم . و بعد آنها را بیرون کرد و امام علی تا این جریان را شنیدند گفتند به خدایی که جان علی در دست اوست، وقتی ابوذر این کار را کرد که سه شبانه روز بود که خودش و زنش و فرزندش هیچ نداشتند که بخورند. ولی بعد سه روز گرسنگی و تشنگی و ناداری زن و بچه وقتی به پول حرام می رسد مواظب است مبادا ما با کارهای غلط و مدیریت غلظمان و ندانم کاریهایمان کار را به حرام خواری برسانیم. اما متأسفانه ما گاه کاری می کنیم که بازاری ما علی فروش می شود. و هر کس یک جوری چوب حراج به این تراش میزند. یاد بگیریم از تراش امام علی مثل هستی خودمان دفاع کنیم.

• چهارم؛ سلوک انسان با هستی

یعنی انسان باید بداند با هستی چگونه رفتار می کند. سلوک با آب ، با هستی با درخت ما آزاد نیستیم که هر گونه که بخواهیم رفتار کنیم. من می توانم این لیوان آب را هر گونه که خواستم استفاده کنم اما استفاده صحیح می شود سلوک صحیح با این آب.

دین ما حق هستی را مطرح می کند امام علی علیه السلام می فرماید من حاضر نیستم حتی پوست جویی را به زور از دهان مورچه ای بیرون بکشم .

این حیوان است و ان ، آب است که ما حق اسراف را نداریم؛ ما چرا گاهی اوقات غذا را دور می ریزیم؟ سلوک صالحان با هستی ما چهار سلوک داریم و باید در این سلوکها مواظبت کنیم. سلوک انسان با خدا با خود و با خلق خدا و با هستی . الحمد لله رب العالمین .